

# نظریه روایت‌دانش



## چکیده

نویسنده در این مقاله‌ی تحقیقی با استناد به منابع متعدد داستان‌نویسی، زاویه‌ی دید را در ابعاد گوناگون بررسی کرده است.

## کلمه‌واژه‌ها

زاویه‌ی دید، دیدگاه، دانای کل، اول شخص، سوم شخص، فرم داستان

رضا ریوندی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر مدارس ناحیه ۷ مشهد.



انتخاب و کاربرد زاویه‌ی دید/دیدگاه (point of view/ view point) در نقد ساختاری داستان شاید تا حدودی از سرناچاری و اجبار باشد. زیرا این واژه کارکردها و معانی گوناگون دارد. خواننده‌ی علاقه‌مند می‌تواند برای تفصیل این مبحث بر منابع زیر مراجعه کند: جنبه‌های رمان (۴-۱۰۳)، تئوری فول (۷-۸۶) سلیمانی (۱۳۰)، نظریه‌ی رمان (۸۴)، شیوه‌های داستان‌نویسی (۷۴)، ساختار و تأویل (۲۹۸)، لاتاری (۱۷۲)، هنر فیکشن (۱۱۱)، دستور زبان داستان (۶-۹۵)، فن داستان‌نویسی (۷۰-۳۶۶)، الفبای قصه‌نویسی (۳۹) و عناصر داستان (۲۳۹)

شناخت زاویه‌ی دید از دو جهت برای خواننده مهم است؛ اول فهم داستان و دیگر ارزیابی آن. این کار مستلزم آن است که خواننده از چند نکته آگاه گردد:

۱. راوی در حقیقت کیست؟ آیا رخداد‌های داستان به وسیله‌ی نویسنده روایت شده است یا راوی یکی از شخصیت‌های داستان است؟ آیا نقل رخدادها و تجزیه و تحلیل آنها با ذهنیت و دید راوی هم‌خوان است یا خیر؟  
۲. راوی در ارتباط با رخداد‌های داستانی که بازمی‌گوید در چه جایگاهی قرار گرفته است؟ آیا راوی از رخداد‌های داستان آگاه است یا نیمه‌آگاه یا از همه چیز بی‌خبر؟ آیا راوی شاهد است یا فاعل؟ میزان دخالت او در حرکت داستانی (movement) تا چه اندازه است؟ آیا تجزیه و تحلیل‌های او را بپذیریم (اگر راوی معتمد باشد) یا به واسطه‌ی ناآگاهی، اشتباه، دروغ و یا کودنی نپذیریم (اگر راوی نامعتمد باشد)؟ آیا راوی محدود است و آیا این محدودیت از جهت تأثیرگذاری وقایع و شخصیت‌ها خللی بر داستان وارد ساخته است؟

۳. نویسنده از چه زاویه‌ی دیدی به داستان خود می‌نگرد؟ چرا نویسنده این زاویه‌ی دید را برگزیده است و تا چه حد این انتخاب او صحیح و به‌جا بوده است؟ انتخاب این زاویه‌ی دید برای نویسنده چه مزیت‌هایی دارد؟ آیا زاویه‌ی دید را برحسب هدف و عناصر داستان برگزیده است؟ آیا انتخاب این زاویه‌ی دید توانسته است بیش‌ترین تأثیر را در القای هدف داستان داشته باشد و یا دلیل خاصی نویسنده را واداشته است تا این زاویه‌ی دید را انتخاب کند؟

گاه نویسنده زاویه‌ی دید را برمی‌گزیند تا از ارائه‌ی یک سری اطلاعات خودداری کند، تا بدین وسیله بتواند حالت شک و انتظار را در خواننده تقویت کند و با گره‌گشایی و ارائه‌ی اطلاعات در پایان داستان او را شگفت‌زده سازد. در این صورت آیا نویسنده به گونه‌ای منطقی و موجه از دادن اطلاعات مهم خودداری کرده است یا این کار او

از نمادگرایی نابه‌جای نویسنده گذشته، رودخانه چیزهایی را می‌بیند و بازمی‌گوید و از جاهایی سخن می‌گوید که منطقی و معقولانه نیست.

### کانون تمرکز راوی (focus of narrator)

در داستان کوتاه بر روی شخصیت یا موقعیت یا... تا پایان داستان ثابت است. در حالی که در رمان ممکن است در هر فصل تغییر کند

### زاویه‌ی دید در داستان‌های فارسی

زاویه‌ی دید در داستان‌های فارسی تابع منطق داستانی نیست؛ بی‌نظم است و گاه می‌شود گفت که بر داستان تحمیلی است. دیدگاه نویسندگان ما همان دیدگاه سنتی نقلی است که در جریان داستان، حوادث و رخدادها (events) مهم‌اند و محور؛ حالا فرقی نمی‌کند که چه راوی‌ای با چه زاویه‌ی دید روایت را بازگوید. اصل این است که رخدادها آن‌قدر کشش داشته باشند که مخاطب را به همراه خود تا پایان داستان بکشانند. متأسفانه پسند آنی و سطحی‌نگری خوانندگان فارسی، که ریشه در قصه‌های سنتی و عامیانه دارد، این ویژگی را تقویت کرده است. اگر نویسنده در داستان خود سوم شخص دانای کل را برمی‌گزیند باید بداند که گرچه حاکم بر فضای داستان و شخصیت‌های داستانی است، دید وی نیز محدود به دید شخصیت‌هاست. یعنی هر جا شخصیت‌ها بروند او می‌تواند

برود و هر چه دیده‌اند، ببیند. او باید سعی کند که پیوسته شخصیت خود را در پشت‌سر شخصیت‌ها پنهان کند و تحلیل‌های او مبتنی بر ذهنیت و تحلیل شخصیت‌ها باشد؛ یعنی از دید و زبان شخصیت/راوی حرف بزند تا به واقع‌نمایی (verisimilar) داستان لطمه‌ای وارد نشود. اما نویسندگان فارسی‌زبان گاه این نکته را از یاد می‌برند و سوم شخص را بهانه‌ای می‌سازد تا در داستان دخالت کنند. برای نمونه **علی محمد افغانی** در **شوهر آهو خانم** افسانه‌های یونانی را از زبان ناوایی عادی بازمی‌گوید که این حرف و کلام شخصیت نمی‌تواند باشد و تنها بر فضل‌نمایی نویسنده و ضعف تکنیکی و اطناب در داستان دلالت دارد. گاه نویسنده، بدون دلیل، زاویه‌ی دید را از اول شخص به سوم شخص یا برعکس تغییر می‌دهد. گرچه چرخش در زاویه‌ی دید امروزه مسئله‌ی پذیرفته‌شده‌ای است، این نکته را نباید فراموش کرد که آن، تابع ضرورت هنری یا ساختاری داستان است.

چرخش زاویه‌ی دید در داستان‌های فارسی بیش‌تر در حد یک تفنن باقی مانده است. گاه نویسنده زاویه‌ی دید را از شخصیتی به شخصیت دیگری در داستان تغییر می‌دهد و او را راوی داستان می‌کند و از دید او حرکت داستان را پی می‌گیرد و این

بی‌دلیل و برای گول‌زدن خواننده و پنهان‌کاری بوده است؟ ۴. آیا عناصر داستانی مطابق با نوع زاویه‌ی دید ارائه شده است؟ آیا زاویه‌ی دید به همراه دیگر عناصر داستان باعث تأثیربخشی و انسجام بیش‌تر شکل داستانی گشته است یا خیر؟ آیا نویسنده توانسته است تا پایان داستان زاویه‌ی دید انتخابی را حفظ کند؟ اگر زاویه‌ی دید نویسنده در داستان تغییر یافته، آیا علتی منطقی یا هنری برای این کار داشته است یا خیر؟

### تفاوت دید در داستان کوتاه و رمان

داستان کوتاه و رمان اگرچه ممکن است از جهات دیگر تفاوت عمده داشته باشند، اما از جهت گزینش و کاربرد زاویه‌ی دید با هم اختلاف چندانی ندارند. البته، نویسنده در داستان‌های کوتاه، به سبب محدودیت‌هایی که دارد، نمی‌تواند از چند راوی استفاده کند یا انواع زاویه‌ی دیدها و شیوه‌های روایی را هم‌سان در داستان خود بگنجانند. در حالی که در رمان امکان به‌کارگیری زاویه‌ی دیدهای مختلف و کاربرد راویان وجود دارد. زیرا گستره‌ی داستان این قابلیت را برای نویسنده فراهم می‌سازد.

داستان کوتاه برخلاف رمان، آن‌قدر طولانی نیست که خواننده از یاد ببرد که دارد نوشته‌های نویسنده‌ای را می‌خواند. بنابراین، خواننده داستانی را که راوی کنشگر باشد راحت‌تر می‌پذیرد و در حرکت داستانی سهیم می‌گردد تا در داستانی که راوی به‌منزله‌ی ناظر قصد روایت یا تعریف آن را دارد. علت توجه نویسندگان به زاویه‌ی دید نمایشی و روایت ذهنی در داستان کوتاه به همین دلیل است. کانون تمرکز راوی (focus of narrator) در داستان کوتاه بر روی شخصیت یا موقعیت یا... تا پایان داستان ثابت است. در حالی که در رمان ممکن است در هر فصل تغییر کند. هم‌چنین، اغلب زاویه‌ی دید در داستان کوتاه تا پایان ثابت باقی می‌ماند، در حالی که نویسنده در رمان می‌تواند هر فصل را با زاویه‌ی دید خاص بیان کند.

مشکل اصلی نویسندگان ما، به‌خصوص، نویسندگانی که بعد از انقلاب به عرصه‌ی نویسندگی به‌ویژه داستان کوتاه قدم گذاشته‌اند، این است که ادراک درستی از زاویه‌ی دید و راوی ندارند و از آن‌جا که این دو عنصر بر دیگر عناصر ساختار داستان تأثیر مستقیم دارند، کلیت داستان ایشان به درجه‌ی یک گزارش یا نقل ساده تقلیل می‌یابد و گاه دخالت آشکار آن‌ها در روایت بر بافت داستان خلل وارد می‌کند. درنهایت ما در ساختار داستان با ضعف تألیف روبه‌رو می‌شویم. برای مثال در دو قصه‌ی **کلید و سنگر محمود** از **منصور شریف‌زاده** راوی بچه‌ای است که با دیدگاه اول شخص داستان را بازمی‌گوید. نویسنده تجزیه و تحلیل و سخنانی را بر زبان راوی می‌نهد که با سن و سال و نوع اندیشه‌ی راوی سازگار نیست و با در داستان ارس از م. **الف فجر** که در مجموعه‌ی داستان **دو قدم تا قاف** آمده است؛ راوی داستان **رود ارس** است،

نکته را فراموش می‌کند که، به‌خصوص در داستان کوتاه، وقتی نویسنده شخصیتی را راوی داستان خود کرد، کنش و حرکت داستانی تا پایان داستان باید تابع دید و ذهنیت این شخصیت باشد و تا زمانی که توجیهی تکنیکی یا هنری برای تغییر وجود داشته باشد، زاویه‌ی دید ثابت است.

## شیوه‌های روایی

شیوه‌هایی که داستان‌نویس برای نقل روایت خود می‌تواند برگزیند، بسیار متنوع و متعدد است و این تا حدودی به خاطر تنوع و تعدد زاویه‌ی دید داستان‌نویس است. نویسنده، داستان خود را به دو شکل می‌تواند روایت کند:

۱. داستان، من روایتگری/ راوی نداشته باشد.
۲. من روایتگری برای نقل روایت خود انتخاب کند و روایت داستانی را از دید و ذهنیت او بازگوید.

گاه داستان‌نویس برای نقل روایت خود ترجیح می‌دهد، روایتگر/ راوی نداشته باشد بلکه فرم داستان آن را روایت کند؛ یعنی نویسنده خود روایت داستان را برعهده بگیرد و همان‌طور که داستان را می‌نویسد، روایتش کند. در این حال، داستان‌نویس می‌تواند داستان خود را با کاربرد یکی از شیوه‌های ترسل یا نامه‌نگاری (/ letter narration/ epistolary/ correspondence) یا خاطره‌نویسی (memoir) یا یادداشت‌های روزانه یا هفتگی (diary narration) یا بیوگرافی / شرح حال‌نویسی (biography) روایت کند.

این شیوه‌های روایی اگرچه در گذشته در نقل روایت بسیار مورد توجه بوده‌اند امروزه خیلی کاربرد ندارند و کم‌تر نویسنده‌ای پیدا می‌شود که، به‌دلیل محدودیت‌های هر یک، به‌طور مستقل با یکی از آن‌ها داستانی را روایت کند. اما آن‌ها در بخش‌هایی از یک روایت هنوز هم استفاده‌ی فراوان دارند. اگر راوی روایت داستان را برعهده داشته باشد از چهار زاویه‌ی دید می‌تواند استفاده کند:

۱. زاویه‌ی دید دانای کل خداگونه
۲. زاویه‌ی دید دانای کل محدود با سوم شخص: (الف) از دید شخصیت اصلی (فاعل / کنشگر) (ب) از دید شخصیت فرعی (شاهد/ ناظر)

گاه داستان‌نویس برای نقل روایت خود ترجیح می‌دهد، روایتگر/ راوی نداشته باشد بلکه فرم داستان آن را روایت کند

۳. زاویه‌ی دید اول شخص: (الف) از دید شخصیت اصلی (فاعل / کنشگر). (ب) از دید شخصیت فرعی (شاهد یا ناظر).

۴. زاویه‌ی دید دوم شخص در هریک از موارد ذکر شده، زاویه‌ی دید راوی می‌تواند بیرونی

(عینی) و یا درونی (ذهنی) باشد. استفاده از راوی برای نقل روایت امروزه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های روایی است. زیرا به‌دلیل قابلیتشان در تمام موارد از دیگر شیوه‌های روایی مناسب‌ترند. شکل‌های دوم درحقیقت برآمده از شکل‌های اول‌اند. یعنی اول شخص ریشه در خاطره‌نویسی یا یادداشت‌های روزانه دارد و دوم شخص از تحول شیوه‌ی ترسل به‌وجود آمده است.

درباره‌ی شیوه‌هایی روایی نوع اول نیز این نکته گفتنی است که آن‌ها درحقیقت فرم‌های (forms) داستانی هستند تا شیوه‌های روایی؛ فرم‌هایی که با دوم شخص یا اول شخص کار می‌کنند. اما در آغاز این زاویه‌ی دیدها در این فرم‌های خاص تقسیم‌بندی زاویه‌ی دید (جز شیوه‌ی نقلی) براساس فرم داستانی بوده و در تمام کتاب‌های فن داستان‌نویسی نیز به همین صورت آمده است. این زاویه‌ی دیدها، در سیر زمان تکامل واقعی خود را در زاویه‌ی دیدهای اول شخص و سوم شخص به‌دست می‌آورند و زاویه‌ی دیدهای عام و مطلوب داستان می‌شوند. امروزه زاویه‌ی دید اول شخص و دوم شخص توسعه‌یافته و از فرم‌های داستانی جدا شده‌اند و خود به مثابه‌ی یک مبحث خاص جدای از فرم بررسی می‌شوند. این زاویه‌ی دیدها در داستان معاصر در دیگر فرم‌های داستانی نیز به‌کار می‌روند.

## منابع و مآخذ

۱. آوت، میریام، رمان به روایت رمان‌نویسان، ترجمه‌ی علی‌محمد حق‌شناس، ج ۱، نشر مرکز، چاپ پنگوئن، تهران، سال ۱۳۵۸ • ۲. ابراهیمی، نادر، لوازم نویسندگی، ج ۱، فرهنگان، چاپ دیبا، زمستان سال ۱۳۶۹ • ۳. احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، چاپ اول، نشر مرکز، چاپ پایا، کرج، سال ۱۳۷۰، ج ۱ • ۴. اخوت، احمد، دستور زبان داستان، ج ۱، فردا، چاپخانه اصفهان، سال ۱۳۷۰ • ۵. جکسن، شرلی و دیگران، لاتاری، جخوف و داستان‌های دیگری، ترجمه‌ی جعفر مدرس صادقی، ج ۱، نشر مرکز، چاپ سعدی، تهران، سال ۱۳۷۱ • ۶. رهگذر، رضا، القبا‌ی قصه‌نویسی، ج ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب جوانه، تهران، تابستان ۱۳۶۹ • ۷. سلیمانی، محسن، از روی دست رمان‌نویس‌ها، ج ۱، نشر هنر اسلامی، چاپ سپهر، تهران، سال ۱۳۶۷ • ۸. سلیمانی، محسن، فن داستان‌نویسی، (مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها)، ج ۱، امیرکبیر، چاپ سپهر، تهران، سال ۱۳۷۰ • ۹. فورستر، ادوارد مورگان، جنبه‌های رمان، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، ج ۲، فرانکلین، امیرکبیر، چاپخانه سپهر، تهران، سال ۱۳۷۵ • ۱۰. لاج، دیوید و دیگران، نظریه‌ی رمان، (مجموعه مقالات)، ترجمه‌ی حسین پاینده، ج ۱، نشر نظر، چاپ وزارت ارشاد، تهران، بهار سال ۱۳۷۴ • ۱۱. میرصادقی، جمال، عناصر داستان، ج ۱، شفا، چاپ افست نقش جهان، تهران، سال ۱۳۶۴ • ۱۲. Sterick, Philip, "The Theory of The Novel", Colier- Dietrich, R. F. ۱۳ • ۱۳. Macmillan Limited, NewYork And Roger, H. sundell, "The Art of Fiction", University of Delaware. Holt And Rinehart And Winston, United states Staton, Robert, "An Introduction To of America. ۱۴ • ۱۹۶۷, Winston, United states of America ۱۹۵۶ •